

مقررات مقدم نیز مترتب می‌گردد؛ به عبارت دیگر، علاوه بر اینکه از زمان تصویب این سیاست‌ها امکان تصویب قوانین و مقررات مغایر با آن وجود ندارد، مفاد قوانین و مقررات سابق که در مغایرت با این سیاست‌ها باشد، نسخ می‌شود. البته ممکن است همان‌طور که در خصوص اثر اعمال نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان (مذکور در اصل ۴ قانون اساسی) مبنی بر ابطال قوانین مغایر شرع مطرح شده است، اشکالی به ذهن متبادر گردد، اینکه نتیجه نسخ قوانین و مقررات جاری، مواجه شدن جامعه با خلأ قانونی است که فساد و مضرات آن، به مراتب بیشتر از فساد ناشی از اجرای قوانین و مقررات مغایر سیاست‌های کلی نظام در کشور است؛ به عبارت دیگر، شاید به نظر برسد که قائل شدن به فقدان اعتبار قوانین و مقررات مغایر با سیاست‌های کلی نظام، یک محذور عملی در پی خواهد داشت که عبارت است از خلأ قانونی در نظام حقوقی.

در پاسخ به اشکال مزبور باید توجه داشت اولاً نسخ قوانین و مقررات جاری، در تمامی فروض لزوماً به ایجاد خلأ قانونی منجر نمی‌شود بلکه بررسی سابقه این موضوع در نظام حقوقی و حتی در پی ابطال (و نه نسخ) برخی قوانین مغایر شرع توسط فقهای شورای نگهبان، نقض این ادعا را روشن می‌کند؛ یعنی در مصادیق گوناگونی، در عمل ابطال قانون جاری، خللی به نظم اجتماعی وارد نساخته و باعث ایجاد خلأ قانونی نشده است. به‌عنوان نمونه، در ابطال ماده (۷۳۱) قانون آیین دادرسی مدنی سابق در خصوص مرور زمان رد دعاوی به دلیل مغایرت شرعی آن یا ابطال لایحه قانونی کالای متروکه (مصوب شورای انقلاب)، هیچ خلأ قانونی ایجاد نشد. ثانیاً بر فرض اینکه در برخی مصادیق، ابطال یا نسخ قانون منجر به خلأ قانونی شود، این موضوع در نظام حقوقی بدون راه‌حل نیست و سازوکارهای موجود در نظام حقوقی و بهره‌گیری از اصول کلی حقوقی می‌تواند به حل این موضوع کمک کند. چنانچه برخی از حقوق‌دانان نیز گفته‌اند، بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در مقام دادرسی، قاضی می‌تواند با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید. علاوه بر این، استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید. علاوه بر این، استناد به اصول کلی

۹۹ وجود چنین اختلاف‌نظری میان حقوق‌دانان، قضات و مجریان مختص مغایرت یا عدم مغایرت قوانین موجود با سیاست‌های کلی ابلاغی نیست و هم‌اکنون همین اختلاف‌نظر در خصوص قوانین نسخ شده به‌واسطه تصویب (در سال ۱۳۵۸) و اصلاح (در سال ۱۳۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت قوانین جدیدالتصویب با قوانین پیشین و تشخیص ناسخ و منسوخ میان آن‌ها وجود دارد. ۶۶

حقوقی نیز در این مقام راهگشا است. در نهایت اگر در مصداقی خاص، خلأ ایجاد شود و استمرار آن، آسیب‌های جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد، دولت از طریق ارائه لایحه و مجلس از طریق ارائه طرح به‌صورت دوفوریتی یا حتی سه فوریتی می‌توانند به‌سرعت به جبران و رفع خلأ مذکور مبادرت کنند.

بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود. اولاً در اصل محذور مورد ادعا در اغلب فروض محقق نمی‌شود و ثانیاً بر فرض تحقق راهکارهای حقوقی متعددی برای جبران آن در نظام حقوقی وجود دارد؛ در نتیجه نگرانی ناشی از بروز برخی مشکلات به‌واسطه نسخ قوانین موجود توسط سیاست‌های کلی نظام، چندان مورد قبول نیست. در رابطه با نسخ مقررات نیز چنین اشکالی اساساً مطرح نیست و هم‌اکنون در نظام حقوقی ایران، نسخ و حتی ابطال مقررات مغایر با قوانین توسط دیوان عدالت اداری صورت می‌پذیرد و این امر، نه در عرصه عملی مشکل لاینحلی را ایجاد نموده است و نه در عرصه نظری مورد ایراد حقوق‌دانان واقع شده است.

اشکال دیگری که در این رابطه ممکن است بیان شود، اختلاف‌نظر حقوق‌دانان، قضات و مجریان قانون در مغایر بودن مفاد قوانین با سیاست‌های ابلاغی جدید و در نتیجه اختلاف بر سر ترتب اثر نسخ بر آن‌ها است. در توضیح این مسئله باید گفت: از آنجا که در مقام عمل ممکن است در خصوص این موضوع که کدامک از احکام قانونی پیشین مغایر سیاست‌های ابلاغی جدید است و در نتیجه کدامک از مواد و احکام

قانونی به‌واسطه سیاست‌های ابلاغی جدید نسخ می‌شود، اختلاف‌نظر پیش‌آید و در نهایت مشخص نشود که چه قوانینی نسخ گردیده‌اند. این موضوع از یک‌سو باعث می‌شود قضات و مجریان در مقام اجرای قانون دچار سردرگمی شده و از سوی دیگر، نظم اجتماعی که باید به‌واسطه اجرای قوانین و مقررات با رویه‌های یکسان توسط کلیت نظام حقوقی حاصل شود، به‌واسطه تشتت رویه ناشی از اختلاف‌نظر در تشخیص قوانین مغایر با سیاست‌ها، مخدوش گردد.

در پاسخ به این اشکال باید گفت که وجود چنین اختلاف‌نظری میان حقوق‌دانان، قضات و مجریان مختص مغایرت یا عدم مغایرت قوانین موجود با سیاست‌های کلی ابلاغی نیست و هم‌اکنون همین اختلاف‌نظر در خصوص قوانین نسخ شده به‌واسطه تصویب (در سال ۱۳۵۸) و اصلاح (در سال ۱۳۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت قوانین جدیدالتصویب با قوانین پیشین و تشخیص ناسخ و منسوخ میان آن‌ها وجود دارد؛ زیرا همان‌طور که در بخش ابتدایی توضیح داده شد، نسخ میان هنجار حقوقی جدید با سایر هنجارهای «هم‌سطح» و مادون مغایر رخ می‌دهد و اختصاصی به هنجارهای مغایر مادون ندارد؛ اما این اختلاف‌نظرها نظم اجتماعی را چنان دگرگون و مخدوش نمی‌سازد که منجر به بروز معضلی در سطح اجتماع شود؛ بنابراین اختلاف‌نظر در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت قوانین موجود با سیاست‌های ابلاغی نیز همین‌طور خواهد بود. سازوکارهایی در نظام‌های حقوقی و از جمله در نظام حقوقی ایران اندیشیده شده است که در عمل این اختلاف‌نظرها را - که طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است - مدیریت نموده و از تشتت‌های مغل در نظم حقوقی حتی‌المقدور جلوگیری نماید. به‌عنوان مثال اگر در عرصه اجرایی، میان دو دسته از مجریان قانون در قوه مجریه بر سر نسخ یا عدم نسخ یک حکم قانونی توسط سیاست‌های کلی نظام اختلاف‌نظر پیش‌آید، از راهکارهای تفصیلی مذکور در «آیین‌نامه چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی از طریق سازوکارهای داخلی قوه مجریه» استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال در صورت اختلاف در برخی موارد با نظر معاونت حقوقی رئیس‌جمهور